

چکیده

نامه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله به زمامداران و سران، از زیباترین حماسه‌های آن حضرت در دوران رسالت است. شگفتی این موضوع بیانگر شخصیت حضرت محمد صلی الله علیه و آله در ایمان به رسالت خویش و اعتماد به نفس، توأم با بلندای همت است. شگفتا که رسالت جهان شمول اسلام را برخی مورد تردید و یا انکار قرار می‌دهند. این دیدگاه به نص صریح قرآن و متون اسلامی و نیز شواهد قطعی تاریخ مردود و بی اعتبار است.

زمینه‌های جامعه شناختی و نیازهای بنیادین آن عصر اقتضا می‌کرد که تحولی چشمگیر و انقلابی عظیم رخ نماید. با ظهور اسلام، این حادثه عظیم شکل گرفت و دیری نپائید که پرتو نورش تا برکه‌های دور جهان گسترش یافت. نامه‌های نبی اکرم صلی الله علیه و آله و تعاملات بین‌المللی آن حضرت به این حرکت شتاب بخشید. گر چه یسافت می‌شوند کسانی که بازتاب آن نامه‌ها را نادیده گرفته و یا ساده جلوه دهند ولی برخلاف این دیدگاه می‌بینیم که آن پیام‌ها چه در آن دوران و چه در گستره تاریخ نقش بارز و خیره‌کننده‌ای ایفا نموده است.

واژه‌های کلیدی: بیک‌ها، پیام‌ها،

مکاتب‌الرسول، سران دول، رؤسای قبائل، ابلاغ، رسالت جهانی، بشارت و انذار، پلورالیزام.

اکرم صلی الله علیه و آله وقتی آشکارتر می گردد که به ژرفای بازتاب و تأثیر شگفت این پیامها در ابعاد گوناگون توجه بسزا شود.

گفتنی است که گاهی خاورشناسان به انکار حقایق می پردازند که چونان خورشید در آسمان می درخشد.^۴ در همین راستا ملاحظه کنید که گاهی «رسالت جهانی اسلام» را انکار نموده و گاه نقش و اثر بارز آن را به طور کلی نادیده گرفته اند. از این رو در این مقاله سعی شده است که نقش و ظنین این پیامها در صدر اسلام و گذرگاه تاریخ مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

نوفاً تواریخ و کتابهایی که در این عصر نگاشته شده است، به بیان نامهها و جوابیهها اکتفا نموده اند. به نظر نگارنده نکته ای که در این رویدادها بیشتر باید وجه همت محققین و اندیشمندان قرار گیرد این است که قلم ابتکار و خلاقیت بدست گرفته و بازتاب و نقش آن را مورد بررسی و تحلیل قرار دهند.^۵ در غیر این صورت از اهمیت موضوع کاسته می شود.

عصر ابلاغ رسالت

پیمان حدیبیه نوعی آرامش نسبی برای جامعه اسلامی به همراه داشت از این رو

مقدمه

ارسال پیکها و پیامها در عصر رسالت نبی اکرم صلی الله علیه و آله از جایگاه ویژه ای برخوردار است. در اهمیت این موضوع همین بس که محققین و دانشمندان کتابهای مستقلاً در پیرامون آن نگاشته اند؛ گرچه برخی از نویسندگان از کنار این مهم بی تفاوت گذشته اند یا به طور سطحی و گذرا در این موضوع نکاتی را یادآور گشته اند، این رویداد از جمله اقدامات حماسی و شگفت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است که هر انسان شایسته ای آن را تحسین نموده و الگوی رفتاری خویش قرار خواهد داد.^۱ این مقاله در صدد آن است که اذهان را نسبت به اصل بنیادین «رسالت جهان شمول اسلام» گرایش بیشتری بخشد و خوانندگان گرامی را با متن نامه های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و جایگاه آسمانی آن مأنوس تر گرداند. همچنین به معرفی سفیران فداکار و ایثارگر رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این امر خطیر پردازد. که برخی از آنان مورد استقبال و احترام ویژه قرار گرفته و برخی با مخاطرات روبه رو گشتند و برخی نیز به شهادت رسیدند. طوبی لهم و حسن مآب.^۲ اهمیت نامه های نسبی

۱- به عنوان نمونه رک آیه الله احمدی، مکاتب الرسول و پروفیسور حمیدالله، الوفاق.
 ۲- «لکم فی رسول الله اُسوةٌ حَسَنَةٌ سیمای درخشان رسول الله برای یکایک شما الگوی زیبا و ارزشمندی است» (احزاب آیه ۲۱)
 ۳- سوره رعد آیه ۲۹.

۴- «جَعَلُوا بِهَا وَاَسْمَانِهَا اَنْفُسَهُمْ ظُلْمًا و غُلُوًّا» از روی ظلم و غرور به انکار آن پرداختند در حالی که بدان یقین داشتند! (نمل آیه ۱۴)
 ۵- «فَانْقَضَ الْقَصَصُ لَمَلَهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» «پیامبر، قصه ها و رویدادها را برای آنان بیان کن، باشد که به تفکر و اندیشه فرو روند» (اعراف آیه ۱۷۶)

۳۹۵ میلادی (تئودور کبیر) امپراطور روم، کشور خود را میان دو پسرش تقسیم نموده و دو کشور روم شرقی و غربی را به وجود آورد که روم غربی در سال ۴۷۶م به دست وحشیان و بربرهای شمال اروپا منقرض گردید و لسی روم شرقی که مرکزش قسطنطنیه بود و شامات و مصر را نیز در اختیار داشت در عصر ظهور اسلام، سردمدار سیاست جهانی محسوب می‌شد. سرزمین عربستان میان این دو قطب محصور بود و از آنجا که اراضی حاصلخیز و منابع طبیعی دیگری در ظاهر نداشت^۱ و مردم آن چادرنشین و متفرق بودند، هیچ امپراطوری از خود رغبت نشان نمی‌داد که به تسخیر آن پردازد. و هرگز هم تصور نمی‌رفت که ملتی دور از تمدن بر اثر قدرت ایمان، به امپراطوری آنان خاتمه دهند و اگر از این اقتدار و کانون نور آگاهی می‌یافتند از همان آغاز آن را خاموش نموده و در هم می‌شکستند.^۲

رسالت جهانی اسلام

در این مجال شایسته است قبل از بررسی نامه‌ها، به پاسخ سؤالی که برخی از خاورشناسان مطرح نموده‌اند پردازیم که اصولاً آیا رسالت پیامبر اسلام جهانی بوده است؟ آیا اسلام برای همه نژادها و ملیت‌ها

پیامبر اسلام ابلاغ رسالت جهانی خویش را آغاز نمود. طبیعی است که اگر تهاجم‌های ناجوانمردانه عرب نبود خیلی زودتر از این نبی اکرم به دعوت زمامداران، رؤسا و رهبران مذهبی دست می‌یازید؛ و لسی موضعگیری سرسخت قریش و سایر احزاب عرب این فرصت را از حضرتش سلب نموده و ناچار بود قسمت مهمی از اوقات شریف خویش را به دفاع از کیان اسلام پردازد.

به هر تقدیر روزی که پیامبر اسلام از حملات قریش مطمئن گردید بلاد رنگ ندای خود را به گوش جهانیان رسانید نامه‌های آن حضرت به سران و زمامداران به حدود ۶۸ عدد می‌رسد که بررسی شیوه و روش آن نامه‌ها بیانگر این حقیقت است که بر خلاف تهمت‌های ناروای برخی از خاورشناسان، زبان اسلام، زبان اندیشه آزاد و استدلال بوده است نه زبان شمشیر و زور.^۱ در عصری که این پیام‌ها به جهانیان ابلاغ می‌شد جهان بین دو امپراطوری بزرگ ایران و روم تقسیم گشته بود و میان ایران و روم از عصر هخامنشیان نبرد و ستیز ریشه گرفته و تا عهد ساسانیان ادامه داشت.

خاور زمین زیر سیطره امپراطوری ایران بود که سرزمین عراق و یمن و بخشی از آسیای صغیر از اعمار ایران به شمار می‌رفت. دولت روم نیز در آن روز به دو بلوک شرقی و غربی تقسیم گشته بود، زیرا در سال

^۱ - نفت عربستان در سال ۱۹۳۶م برای اولین بار در نزدیکی سواحل خلیج فارس کشف شد و هم اکنون این کشور دومین تولیدکننده نفت در جهان است (گیتاشناسی کشورها ص ۲۰۷).

^۲ - س. ک سبحانی، فروغ ابدیت ج ۲ ص ۶۰۹.

^۱ - «لاکراهة فی الدین» در پذیرش دین اکراه و اجباری وجود ندارد (بقره آیه ۲۵۶)

مراحل آغازین رسالت بوده و با جهانی بودن آئین اسلام منافاتی ندارد.

باز برخی در این راستا چنین اظهار نظر نموده‌اند که رسالت اسلام جهانی نبوده و حتی خود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم هم، چنین ادعائی نداشته است. به عنوان نمونه، ویلیام مویر چنین می‌نویسد: «عقیده جهانی بودن اسلام بعدها بوجود آمد، خود محمد (ص) علیرغم اخبار و احادیث زیاد نبوی چنین عقیده‌ای بفکرش نرسیده بود و اگر هم رسیده بود مبهم و تاریک بود زیرا جهان وی همان عربستان بود و دین جدید نیز برای همان مقرر گردیده بود. رسالت محمد (ص) از بدو بعثت تا آخر عمر تنها متوجه اعراب بود و بس»^۶ مونتگمری وات نیز می‌نویسد: «روش انتقادی کنونی نشان می‌دهد که این بیان- اعزاز پیک‌ها به سوی حکمرانان- قابل اعتماد نیست و احتمال دارد علت اصلی آن علاقه مفرط مسلمانان به این نکته بوده است که محمد صلی الله علیه و آله وسلم دین خود را جهانی می‌دانست و شاید برای منطقی جلوه دادن جنگهای خود علیه ایران و ییزانس بوده است چه ایسن جنگها پس از دعوت آنها به اسلام صورت گرفت»^۷. در پاسخ باید گفت: این که ابراز شده است، که جهانی بودن اسلام برای شخص پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم مطرح نبوده، برخلاف حقیقت است زیرا، شواهد قطعی نشانگر آن

آمده یا ویژه اعراب و کشور عربستان است؟ برخی گفته‌اند که رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم جهانی نبوده است و در این راستا آیاتی از قرآن را نیز مورد استشهاد قرار داده‌اند نظیر وَاَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْاَقْرَبِينَ^۱ (۹) یا آیه «لِيُنذِرَ اُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا»^۲ در پاسخ باید گفت، که از سوی دیگر آیات فراوانی وجود دارد که بیانگر جهانی بودن رسالت پیامبر اسلام است نظیر: «وَمَا اَرْسَلْنَاكَ اِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ»^۳ یا «مَا اَرْسَلْنَاكَ اِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا»^۴ و همچنین آیه «قُلْ يَا اَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا اِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ»^۵ و اگر می‌بینیم در جائی خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم گفته می‌شود که اقارب و خویشان خود را انذار کن، یا مکن و اطراف آن را مورد ارشاد و انذار قرار بده، این موضوع در

^۱ - و خویشانان نزدیک را انذار کن (شعراء آیه ۲۱۴)

^۲ - تا ام القری (مکه) و کسانی که در اطراف آن بسر می‌برند را انذار نمائی (انعام آیه ۹۲) و نظیر آیات دیگری از قبیل «و امر اهلک بالصلاة و خانواده خویش را به نماز امر کن (طه آیه ۱۳۲) یا لیتنذر قوما، ما اتهم من نذیر من قبلک، تا گروهی را انذار نمائی که قبل از تو هیچ انذار کننده برای آنان نیامده است (سجده آیه ۴)

^۳ - و ما ترا جز رحمت برای جهانیان، نفرستادیم (انبیاء آیه ۱۰۷)

^۴ - و ما ترا نفرستادیم مگر آن که برای همه افراد بشر بشارت دهنده و انذار کننده باشی (سبأ آیه ۲۸)

^۵ - بگو ای اهل کتاب بیانید بسوی سختی که بین ما و شما یکسان است که جز خدای یکتا را نپرستیم (آل عمران آیه ۶۴) یا نظیر «قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ ائْتُوا رَسُولَ اللَّهِ اَلَيْكُمْ جَمِيعًا بگو ای مردم من فرستاده خدا به سوی همه شما هستم (اعراف آیه ۱۵۸) و همچنین آیه «... لا تنذرکم به و من ینفک» این قرآن به من وحی شده است تا شما و همه کسانی که این قرآن بدانها می‌رسد را انذار نماید (انعام آیه ۱۹) و نظیر «... لیظہر علی الدین کلمه تا اسلام را بر همه آئین‌ها غالب گرداند (توبه آیه ۳۳).

^۶ - سرتوماس آرنولد، علل گسترش اسلام ص ۹۳

^۷ - مونتگمری وات، محمد پیامبر و سیاستمدار ص ۲۴۴

که جهان وی همان عربستان و مخاطب او فقط اعراب هستند!^۲

همچنین نویسندگان غیرمسلمان دیگر نیز به این حقیقت اعتراف نموده‌اند نظیر: دولاندن که آئین اسلام را در ردیف آئین‌های جهانی مطرح نمود، در تاریخ جهانی چنین نوشته است: «مذهب اسلام نیز مانند مذهب بودا و مذهب مسیح دیناتی جهانی بود»^۴ نهر و نیز در «نگاهی به تاریخ جهان» از بلندای همت و اعتماد به نفس پیامبر اسلام تجلیل نموده و چنین نگاهشته است: «حتی گفته می‌شود که این پیام به «تای تسانک» امپراتور چین نیز رسیده است، لابد این پادشاهان و حکمرانان حیرت کردند که این مرد گمنام کیست که جرأت کرده است به آنها دستور صادر کند؟! از فرستادن همین پیامها می‌توان تصور کرد که پیامبر چه اعتماد و اطمینان فوق‌العاده‌ای به خود و به رسالتش داشته است و توانست همین ایمان و اعتماد را در مردم کشورش نیز به وجود آورد و به آنها الهام بخشد بطوریکه آن مردان بیابان‌گرد توانستند بدون دشواری بر نیمی از جهان معلوم آن زمان مسلط گردند. ایمان و اعتماد به نفس چیز بزرگی است و می‌تواند این ثمرات عالی را

است که نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم رسالت خود را جهانی می‌دانست که به برخی از آنها اشاره می‌شود: ۱- آیاتی که بر حضرتش در این راستا نازل شده است. ۲- وجود نامه‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به سران دول که هم اکنون برخی از نسخه‌های اصلی آن نیز زینت بخش موزه‌های جهان است. ۳- از همان روز اول بعثت آن حضرت اعلام فرموده بود که به زودی رسالت او فراگیر خواهد شد و گنجهای قیصر و کسری به زیر سلطه اسلام در خواهد آمد. ۴= و نیز تعبیرات گوناگون دیگری از آن حضرت نقل شده است که بیانگر این حقیقت است نظیر: «أُرْسِلْتُ إِلَى النَّاسِ كَافَّةً وَ بِي خُتِمَ النَّبِيُّونَ». من به سوی همه بشریت فرستاده شده‌ام و توسط من رسالت انبیاء خاتمه یافت. و یا نظیر «أُرْسِلْتُ إِلَى الْأَبْيَضِ وَالْأَسْوَدِ وَالْأَخْمَرِ». من به سوی همه نژادها و ملیت‌ها اعم از سفید و سیاه و سرخ فرستاده شده‌ام^۲ بنابراین جهانی بودن رسالت حضرت ختمی مرتبت چیزی نیست که مسلمانان برای مشروعیت بخشیدن به کشورگشایی خویش آن را ابداع نموده باشند. و همچنین رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم علاوه بر سفر شخصی خود به شامات، برای فراگیری تسلیحات مدرن و سایر اهداف به سایر نقاط جهان نیرو اعزام می‌کرد. با این وصف چگونه گفته می‌شود

۲- مجلسی، بحارالانوار جلد ۱۶ ص ۳۲۴. سبحانی،

الالهیات ج ۲ ص ۴۷۱. محمدی، میزان الحکمه ۹ ص ۶۳۳

۴- دولاندن، تاریخ جهانی ۱ ص ۳۵۸

۵- جورج هربرت ولز نیز می‌نویسد: در سال ششصد و

سی ام محمد(ص) نمایندگان خود را به دربارهای

هراکلیوس و قباد و تای تسانک و سایر فرمانروایان جهان

اعزام داشت (تاریخ دنیا ص ۵).

۱- ابن سعد، طبقات الکبری جلد ۱ ص ۱۹۲

۲- ر. ک ابن اسحاق، سیره ص ۱۱۹ ط ترکیه

بوجود آورد؟^۱ بدین ترتیب هیچ گونه شک و تردیدی در جهانی بودن رسالت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم باقی نمی ماند و انکار یا تردید در این حقیقت جز از روی جهالت و یا عناد و لجاج نخواهد بود.

چگونگی آغاز نامه ها

همچنانکه گفته شد صلح حدیبیه زمینه سامان بخشیدن به اهداف بلند را فراهم نمود از این رو پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در صدد برآمدند رسالت خود را به جهانیان ابلاغ نمایند. آسانترین راهی که در آن زمان برای این هدف امکان پذیر بود آن بود که رسالت آسمانی خود را به رؤسا و زمامداران وقت از طریق نامه نگاری ابلاغ نمایند. اصولاً چنین ابلاغی برای سفیران توأم با خطر مرگ در غربت بود و امید غنیمت یا کسب افتخاری که عرب بدان خو کرده بود نمی رفت.^۲ بر همین اساس روزی نبی اکرم صلی الله علیه و آله به یاران خویش تأکید فرمود که در نماز صبح حضور به هم رسانند و پس از ادای فریضه روزه سوی آنان نموده فرمودند، خدای سبحان مرا به عنوان رحمت برای جهانیان و به سوی همه بشریت ارسال فرموده است.^۳ بنابراین انتظار من آن است که در این امر خطیر با من آن گونه برخورد نکنید که حواریین با حضرت عیسی علیه السلام برخورد نمودند! گفتند یا رسول

الله برخورد آنان چگونه بود؟ فرمودند: عیسی بن مریم (ع) نیز نظیر من در صدد برآمد پیکهائی برای ابلاغ پیام به اطراف و اکناف بفرستد ولی آنان در ابلاغ پیام آن حضرت مخالفت کردند. بدین صورت که اگر مقصد نزدیک بود پذیرا گشتند و اگر دور بود زیر بار نرفتند. یاران نبی اکرم صلی الله علیه و آله تعهد سپردند که دامن همت بر کمر زنند و به هر کجا که حضرتش پیام فرستد، دور یا نزدیک آنرا ابلاغ نمایند.^۴ برخی که از تشریفات سیاسی آگاه بودند توصیه کردند که باید مهتری ساخته شود زیرا نامه های بدون مهر را نمی پذیرند. آنگاه مهتری از نقره ساخته شده که بر آن «محمد رسول الله» را در سه ردیف نقش کردند در رأس آن «الله» و «محمد» در پائین «و رسول» در وسط آمده بود. سپس پیامبر اسلام شش نفر از افراد زنده را گزینش فرمود و بدست هر کدام نامه ای سپرد که رسالت جهانی آن حضرت در آنها منعکس بود و آنان را به نقاط مختلف اعزام فرمود. آن سفیران در یک روز رهسپار سرزمینهای ایران، روم، مصر، حبشه (اتیوپی)، یمامه، بحرین، و حیره شدند در اینجا جهت اختصار، متن برخی از آن نامه ها را یاد آور می شویم.^۵

۱- در سرزمین ایران

نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عبدالله حذافه سهمی را به عنوان پیک ایران

۱- نهر، نگاهی به تاریخ جهان جلد ۱ ص ۳۲۰
 ۲- ر. ک دکتر شریعتی، اسلام شناسی ص ۲۴۹، هادی خاتمی، تاریخ تمدن اسلام و عرب ص ۲۸۸
 ۳- ابن هشام، السیره النبویه ج ۴ ص ۲۵۴.

۴- طبری، تاریخ الامم و الملوک ۲ ص ۲۸۸
 ۵- سعودی، التنبیه و الاشراف ص ۲۲۵

برگزیدند و نامه‌ای بدین شرح برای خسرو پرویز کسرای ایران ارسال فرمودند: «بسم الله الرحمن الرحيم من محمد رسول الله الی کسری عظیم فارس؛ سلام علی من اتبع الهدی و آمن بالله و رسوله و اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له؛ و ان محمداً عبده و رسوله؛ ادعوك بدعايه الله، فاني انا رسول الله الی الناس كافة؛ لا نذر من كان حياً و يحق القول علی الکافرین؛ اسلم تسلّم، فان ایت فعلیک اثم المجوس.» بنام خداوند بخشنده مهربان از محمد فرستاده خدا به کسری بزرگ فارس، درود بر آن کس که جوای حقیقت باشد و به خدا و پیامبرش ایمان آورد و گواهی دهد که جز او خدائی نیست و شریک و هم‌تائی ندارد. و بر این باور باشد که محمد بنده و پیامبر اوست. من به فرمان خداوند ترا به سوی او می‌خوانم. به راستی که من پیامبر الهی به سوی همه مردم هستم تا همگان را انذار نمایم و حجت بر کفار تمام گردد. اسلام بیاور تا در امان باشی و گرنه گناه ملت مجوس بر گردن تو خواهد بود. وقتی نامه به دست خسرو پرویز رسید؛ از این که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نام خویش را مقدم بر نام او مرقوم فرموده بود ناراحت شده و نامه را درید و به باذان حاکم دست نشانده خویش در یمن دستور داد این غلام را که چنین گستاخی نموده است دست بسته به پایتخت بیاورا آنگاه قدری خاک به عنوان هدیه برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرستاد.

گرچه یعقوبی این رویداد را به گونه‌ای دیگر نقل نموده و می‌نویسد: کسری احترام کرد و جواب نامه نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را درین دو پارچه حریر گذارد و در آن مقداری مشک قرار داده و برای نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرستاد.^۱ و احمد حنبل نیز می‌نویسد که: «خسرو پرویز هدیه‌ای برای پیامبر فرستاده^۲ ولی طبیعی است که نقل یکی دو نفر نمی‌تواند برابر شهرت تاریخ ملاک قرار گیرد.

وقتی بیک رسول الله صلی الله علیه و آله بازگشت و چگونگی رفتار خسرو پرویز را نقل نمود و خاک را به رسول اکرم صلی الله علیه و آله ارائه داد، فرمود: «مزق الله ملکه کما مزق کتابی و بعث الی بتراب اما انکم ستملکون ارضه» خداوند پادشاهیش را بدر همان گونه که نامه مرا از هم درید و برای من خاک فرستاده است این را بدانید که بزودی سرزمین او را فتح خواهید کرد.^۳

باذان نیز که مانند سایر ساکنان یمن از سلطه جابرانه و خشن مأموران ایرانی از زمان انوشیروان رنج می‌برد از پیدایش قدرت مرکزی نیرومند در عربستان استقبال کرد و برای آن که خود را از یوغ امپریالیسم

۱- او کتب اله کسری کتاباً جمعه بین سرتی حریر و جعل فیها مسکاً (یعقوبی، تاریخ ج ۲ ص ۷۷)

۲- احمد حنبل، مسند ج ۱ ص ۴۶

۳- ر. ک ابن اثیر کامل ج ۲ ص ۲۱۳ و محسن الامین، اعیان اشیعه ج ۱ ص ۲۴۴ و طبری، تاریخ ج ۲ ص ۲۹۵. رفیع الدین اسحاق بن محمد همدانی سیره رسول الله ج ۲ ص ۱۰۶۳. جعفریان رسول، تاریخ سیاسی اسلام ص ۲۱۷، جعفریان سیره رسول خدا ص ۵۵۶.

به تو دو پاداش خواهد داد و اگر سرپیچی کنی گناه ملت روم نیز بر گردن تو خواهد بود؛ ای اهل کتاب بیایید در نقاط مشترک با یکدیگر وحدت داشته باشیم که جز خدای یگانه را نپرستیم و برخی از ما برخی دیگر را به خدائی نپذیرد. هرگاه سرپیچی نمودند اعلام کنید که گواه باشید که ما مسلمان هستیم.

دحیه رهسپار شام شد و در بصری اطلاع یافت که قیصر عازم بیت المقدس است، به سرعت با استاندار نمبری حارث بن ابی شمر تماس گرفت، او را مأموریت خطیر خویش آگاه ساخت. استاندار، عدی بن حاتم را خواسته و او را مأمور کرد تا همراه سفیر پیامبر به سوی بیت المقدس بروند و نامه را به حضور قیصر برسانند.

در شهر «حمص» سفیر با قیصر ملاقات کرد. وقتی خواست به حضور قیصر بار یابد، کارپردازان تشریفات بدو گفتند: باید در برابر قیصر سجده کنی و گرنه به تو اعتنائی نکرده و نامه‌ات را تحویل نخواهد گرفت. دحیه گفت: اساس پیامی که من آورده‌ام این است که این سنت غلط برجیده شود و جز خدای یگانه مورد پرستش قرار نگیرد. «لا أقبل هذا أبداً ولا أسجدُ لِغَیْرِ اللَّهِ» با این بیان شگفتی و اعجاب درباریان قیصر

ساسانی رهائی بخشد اسلام آورد و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز وی را از جانب خویش بر یمن گماشت. او با اتکاء به قدرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله که هیچ قید و بند اقتصادی و یا سیاسی بر او تحمیل نکرد استقلال خویش را در قبال ایران بدست آورد.

۲- در دربار امپراطوری روم

نامه دیگر نبی اکرم صلی الله علیه و آله به هر اقلیوس امپراطور روم شرقی بود. دحیه کلبی به عنوان پیک روم برگزیده شد. وی به نقاط مختلف شام آشنائی داشت و قیافه گیرا و نیکویش شایستگی همه جانبه او را ایجاب می نمود و قرار شد نامه توسط حاکم بصری و با معرفی او به امپراطور تسلیم گردد. متن نامه بدین شرح است: «بسم الله الرحمن الرحيم من محمد رسول الله الى هر قل عظیم الروم سلام علی من اتبع الهدی، اما بعد فانی ادعوك بدعایه الاسلام، اسلم تسلم؛ یؤتک الله اجرک مرتین؛ فان تولیت فانما علیک اثم الاریین» و یا اهل الکتاب تَعَالَوْا اِلَى کَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَیْنَنَا وَ بَیْنَكُمْ، اَلَّا نَعْبُدَ اِلَّا اللّٰهَ، وَ لَا نُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا وَ لَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا اَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللّٰهِ فَاِنْ تَوَلَّوْا فَقُوْلُوا الشَّهَادَةَ اَبَانَا مُسْلِمُونَ. نامه‌ای از محمد فرستاده خدا به هر قل (هر اقلیوس) بزرگ

روم، درود و سلام بر پیروان حقیقت، من ترا به آئین اسلام دعوت می نمایم. اسلام بیاور تا در امان باشی. در آن صورت خدای سبحان

۱- ابن سعد، طبقات الکبری ۱ ص ۲۵۹ و ابن اثیر، کامل ج ۲ ص ۲۱۲ و یعقوبی، تاریخ ج ۲ ص ۷۷ و احمد زکی صفوت، جمهره الرسائل ج ۱ ص ۳۳. طباطبائی سید محمد حسین، المیزان ج ۳ ص ۲۹۳. کتانی، التراتیب الادریه ج ۱ ص ۱۴۲. (در این کتاب از این نامه به عنوان صحیح ترین نصی که تاریخ از نامه‌های نبی اکرم حفظ نموده، یاد شده است.)

حاطب بن ابی بلتعه را به عنوان پیک مصر برگزید و نامه‌ای بدین شرح برای مقوقس ارسال فرمود: «بسم الله الرحمن الرحيم من محمد رسول الله الی مقوقس عظیم القبط، سلام علی من اتبع الهدی، اما بعد فانی ادعوك بدعاية الاسلام، اسلم تسلّم؛ یوتك الله اجرک مرتین؛ فان تولیت فانما علیک اثم القبط» و یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمة سواء بیننا و بینکم، ان لا نعبد الا الله و لا نشرك به شیئاً و لا يتخذ بعضنا بعضاً ارباباً من دون الله، فان تولوا فقولوا اشهدوا بانا مسلمون» به نام خداوند بخشنده مهربان از محمد فرستاده خدا به مقوقس بزرگ قبطیان. درود بر پیروان هدایت. من ترا به آئین اسلام دعوت می‌نمایم اسلام یابور تا در امان باشی که در آن صورت خدای سبحان به تو اجر دو چندان خواهد داد و گرنه گناه همه قبطیان نیز بر گردن تو خواهد بود. ای اهل کتاب بیائید در اصول مشترک با هم وحدت داشته باشیم، غیر خدا را پرستش نکنیم و برخی از ما برخی دیگر را به خدائی نپذیریم. هرگاه آنان از آئین حق سر برتابند بگوئید که گواه باشید که ما مسلمانیم.

سفیر پیامبر رهسپار مصر گردید و اطلاع یافت که مقوقس در شهر اسکندریه به سر می‌برد. خود را به کاخ مقوقس رسانید. وی حاطب را به حضور پذیرفت و نامه را گشود و قرائت کرد و لحظه‌ای چند در مضامین نامه به اندیشه فرو رفت، سپس سر خود را بلند نمود و اظهار داشت راستی

برانگیخته شد و یکی از آنان به دحیه گفت: شما می‌توانید نامه را روی میز مخصوص سلطان بگذارید که در آن صورت کسی جز قیصر نامه را بر نمی‌دارد و هرگاه قیصر نامه را بخواند شما را به حضور می‌طلبد. دحیه از راهنمایی او تشکر کرد و نامه را روی میز قیصر قرار داد و بازگشت. قیصر با خواندن نامه در صدد تحقیق و تفحص برآمد^۱ و در نهایت در جواب نبی اکرم صلی الله علیه و آله نوشت: من مردم را دعوت کردم که به رسالت شما ایمان بیاورند ولی اطاعت نکردند و اگر اطاعت می‌کردند به مراتب برای آنان بهتر و شایسته‌تر بود. دوست داشتم در محضر شما می‌بودم و شما را خدمت می‌کردم و قدمهای شما را شستشو می‌دادم! سرانجام قیصر دحیه را خواست و جواب نامه را با هدایائی برای پیامبر اسلام نمود و مراتب اخلاص و ایمان خویش را به آن حضرت یاد آور شد.^۲

۳- در دیار مصر

نامه دیگر برای «مقوقس» پادشاه مصر^۳ نوشته شد. پیامبر گرامی اسلام

^۱ - اشاره به ماجرای پیدا کردن تجار مکه و از جمله ابوسفیان و پرس و جو درباره ویژگیهای نبی اکرم صلی الله علیه و آله که در کتب تاریخ مفصل ذکر شده است. ر. ک ابن اثیر، کامل ۲ ص ۲۱۲. طبری، تاریخ الامم و الملوک ۲ ص ۲۹۰. ابی محمد ابراهیم، تاریخ پیامبر اسلام، ص ۴۸۶.

^۲ - احمدی، مکاتیب الرسول ۱۱۴. یعقوبی، تاریخ ۲ ص ۷۸. مجموعه الوثائق السياسية، ص ۸۲.
^۳ - زمان ظهور اسلام، نیل و دلتا مستعمره روم بود که بعدها بدست مسلمانان گشوده شد و به تدریج سایر مناطق آن جزو قلمرو اسلامی قرار گرفت. ر. ک هادی خاتمی، تاریخ تمدن اسلام و عرب ص ۲۹۱.

نجاشی به عنوان «ملک» یاد فرموده است و نیز سایر زمامداران وقت را از عقوبت الهی بر حذر می داشت و می فرمود: «اگر ایمان نیاورید، گناه ملت‌هایی که از ترس شما ایمان نیاورند بر گ‌ردن شما خواهد بود ولی در این نامه نه تنها از این تغییر اثری نیست بلکه با احترام و تجلیل ویژه‌ای آن را نگه داشته‌اند. متن نامه بدین شرح است: «بسم الله الرحمن الرحيم من محمد رسول الله الی النجاشی الاصحم ملک الحبشه سلام علیک فانی احمد الله الذی لا اله الا هو الملك القدوس السلام المؤمن المهیمن و اشهد ان عیسی بن مریم روح الله و کلمته القاها الی مریم البتول الطیبه الحصینه فحملت بعیسی فخلقه من روحه و نفعه، کما خلق آدم بیده و انی ادعوک الی الله وحده لا شریک له و الموالاه علی طاعته، و ان تتبعنی و تومن بالذی جائتی، فانی رسول الله و انی ادعوک و جنودک الی الله عزوجل، و قد بلغت نصحت فاقبلوا نصیحتی و السلام علی من اتبع الهدی.»

به نام خداوند بخشنده مهربان. پیامی است از محمد فرستاده خدا به نجاشی اصحم پادشاه حبشه درود بر شما، من خدا را ستایش می کنم همان خدای یگانه‌ای که با اقتدار است و از هر عیب و نقصی منزّه است و پارسایان از خشم او در امانند و او به حال بندگانش ناظر و گواه است. و شهادت می دهم که عیسی بن مریم روحی است از جانب خدا و کلمه‌ای است که در رحم مریم پاکدامن و

اگر محمد پیامبر خداست چرا مخالفان او توانستند وی را از زادگاهش بیرون کنند و ناچار به هجرت شد چرا بر آنان نفرین نفرستاد تا نابود شوند؟ سفیر اسلام در جواب گفت: حضرت عیسی علیه السلام پیامبر خدا بود که شما نیز بدان اعتراف دارید، موقعی که بنی اسرائیل نقشه قتل او را کشیدند چرا وی دربارهٔ آنان نفرین نکرد تا خدا آنان را در دم نابود سازد؟! مقوقس از این جواب به وجد آمده گفت: «احسنت انت حکیم من عند حکیم» آفرین بر تو که فرد خردمندی هستی و از طرف شخص خردمندی پیام آورده‌ای، و مقوقس در نهایت، نامهٔ محترمانه‌ای در جواب نبی اکرم صلی الله علیه و آله مرقوم داشت و هدایای گرانبهائی نیز برای حضرتش ارسال نمود.^۱

۴- در سرزمین خاطره‌ها حبشه (اتیوپی)

چهارمین نامهٔ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای نجاشی پادشاه حبشه (اتیوپی) ارسال شد. عمرو بن امیه ضمیری نیز به عنوان پیک برای نجاشی برگزیده شد. متن نامه‌ای که پیامبر برای نجاشی مرقوم فرمودند با سایر نامه‌ها تفاوت داشت. در نامه‌های دیگر، از زمامداران به عنوان ملک (پادشاه) یاد نمی کند تو گوئی چون مسلمان نیستند آنان را سزاوار چنین عنوانی نمی داند ولی از

۱- در تواریخ آمده است که مقوقس حدود یازده نوع هدیه برای پیامبر اکرم (ص) فرستاد. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه ۲ ص ۵۹۹) و نیز ر. ک این هشام، السیره النبویه ج ۲ ص ۲۵۴ طبری، تاریخ ج ۲ ص ۲۹۷. ابن سعد، طبقات الکبری ج ۱ ص ۲۶۰. ابن اثیر الکامل فی التاریخ ۲ ص ۲۱۰. احمدی، مکاتیب الرسول ص ۹۷.

اعلان نمود و آن حضرت را همان پیامبر موعود برشناخت که در کتب آسمانی به او بشارت داده شده است. آنگاه هدایای ویژه‌ای نیز برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرستاد.^۱

سایر پیامهای نبی اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نامه‌های دیگری برای سایر زمامداران و رؤسا مرقوم داشتند که فهرست گونه به برخی از آنها اشاره می‌شود: الف- نامه به حارث بن ابی شمر از پادشاهان غسان حاکم در شام. نقل شده که ایشان بعد از گرفتن نامه قصد حمله به جزیره العرب را داشت، و قیصر در همان سفر بیت المقدس او را از این کار منع کرد. ب- نامه به پادشاه حمیری حاکم در یمن. ج- نامه به هود بن علی الحنفی پادشاه یمامه. د- نامه به منذر بن ساوی، پادشاه بحرین. وی اسلام را پذیرفته و در ضمن نامه‌ای، از پیامبر خواست تا به او دستور دهد با مجوس و یهودی که در بلاد او هستند چه کند؟ ه- نامه برای «جیفر و عبد» پادشاهان عمان که آنان نیز اسلام را پذیرا گشتند. و- نامه به اسقف اعظم روم. ز- نامه به اسقف نجران. ح- نامه به اکثم بن صیفی از رؤسای قبیله بنی تمیم.

زاهد قرار گرفت. خدای سبحان با همان اقتداری که آدم را بدون پدر و مادر آفرید عیسی را نیز بدون پدر هستی بخشید. من تو را به سوی خدای یگانه و بی‌انباز دعوت می‌کنم و از تو می‌خواهم که پیوسته در راستای طاعت او گام بردارید و از آئین من پیروی ننمائید. من شما را و تمام لشکریانت را به سوی خدای عزیز دعوت می‌نمایم. آگاه باشید که من با این پیام، رسالت خطیر خود را به انجام رساندم و خیرخواهی نمودم. بر شماست که نصیحت و خیرخواهی مرا بپذیرید. درود بر پیروان هدایت، «ملاحظه کنید، در این نامه به طور مستقیم به شخص نجاشی درود و سلام نثار شده است، در حالی که در نامه‌های دیگر برای کسری و قیصر و مقوقس، سلام و درود بطور کلی بر پیروان حقیقت فرستاده شده است. در این نامه با صفات ویژه‌ای از خدای سبحان یاد شده است و نیز از حضرت عیسی (ع) تجلیل فراوان به عمل آمده است. همچنانکه از حضرت مریم (ع) با تجلیل بسزا یاد شده است و نیز برخلاف سایر زمامداران از نجاشی با عنوان «ملک» یاد نموده است و در پایان نیز با تواضع ویژه‌ای لحن نصیحت بخود گرفته و نامه خویش را ناصحانه قلمداد فرموده است.

جناب نجاشی در نهایت با احترام فراوان جواب نامه نبی اکرم صلی الله علیه و آله را مرقوم داشت و مراتب ایمان و اخلاص خویش را به ساحت آن حضرت

۱- ر. ک. کتابی، التراتیب الادرايه ج ۱ ص ۱۴۲. طبری ۷ تاریخ ج ۲ ص ۲۹۴. ابن اثیر، کامل ج ۲ ص ۲۱۰ ابن سعد، طبقات الکبری ج ۱ ص ۲۵۸. احمدی، مکاتب الرسول ص ۱۲۱.

وقتی رستم فرخزاد و سپهسالار ایران در قادسیه از «ربعی بن عامر» نماینده مسلمانان پرسید که هدف شما از این لشکرکشی چیست؟ پاسخ داد: آمده ایم تا مردم را از بندگی غیر خدا به بندگی خدا سوق دهیم. لنخرج الناس من عباده الی عباده الله^۲

تأثیر شگفت نامه‌ها

در اینجا این سؤال مطرح است که نقش و تأثیر نامه‌های نبی اکرم صلی الله علیه و آله چه بود؟ دیدگاه برخی چنین است که پیامبر اسلام از این نامه‌ها هیچ نتیجه‌ای نگرفتند. به عنوان نمونه ویل دورانت می‌نویسد: «به گفته مورخان در همین دوران قاصدانی به سوی پادشاه روم و ایران و امیر حیره^۳ و بنی غسان فرستاد و به دین نو دعوتشان کرد. ظاهراً کسی از ایشان به نامه‌های پیغمبر جواب نداد.»^۴ شگفتا که گوستاولوبون نیز چنین نگاشته است که: «نامه‌هایی که پیغمبر به پادشاهان نوشته بود از هیچکدام نتیجه‌ای حاصل نشد»^۵ در پاسخ باید گفت: همانگونه که بیان شد بسیاری از آنان به نامه‌های حضرتش جواب دادند، نظیر هراکلیوس، مقوقس، نجاشی و... افزون بر این، پیامهای آن حضرت در ابعاد گوناگون نقش داشت:

بطور کلی باید گفت از میان ۱۸۵ نامه و میثاق نامه پیامبر اسلام، تعداد ۶۸ نامه از آنها برای پادشاهان، رهبران مذهبی، رؤسای قبائل و گاهی خطاب به اهالی برخی از کشورها و مناطق بوده است.^۱

تحلیل کلی نامه‌ها

در آموزه‌های کلی نامه‌ها چند نکته ویژه حائز اهمیت است. نبی اکرم صلی الله علیه و آله سیاست خارجی خویش را بر اعلان رسالت تزویج توحید و زدودن پیرایه‌ها و پلیدی‌های شرک بنا نهاده است. پیامبر در صدد بود تا فطرت‌های خفته را بیدار و با چشمه زلال توحید، رسوبات شرک را شستشو دهد؛ و عهد ازل و میثاق الست را به بنی آدم ظلوم و جهول یادآور شود. و نیز با دو وصف بشارت و انداز، نامه‌ها را مزین ساخته است و از یکسو با گرایش به اسلام اجر مضاعف را نوید می‌دهد و از سویی عدم پذیرش را همراه با وبال گناه رعایا می‌شمارد. پیام توحید در بعد نظری به آدمیان عزت و کرامت می‌بخشد و آنها را از بندگی غیر خدا می‌رهاند و در بعد اجتماعی نیز منادی برابری، مساوات و عدالت اجتماعی است. همچنانکه امتیازات قبائلی و نژادی را نفی نموده و ملاک کرامت را پارسائی و تقوا می‌شمارد. و بر همین مبنا بود که درست هشت سال بعد

۲- ر. ک ابن اثیر، کامل ج ۲ ص ۴۶۳. یعقوبی ابن واضح، تاریخ، ج ۲ ص ۱۴۴.

۳- حیره شهری بوده در یک فرسنگی کوفه و حوالی نجف امروز.

۴- ویل دورانت، تاریخ تمدن ج ۱۱ ص ۳۱

۵- گوستاولوبون، تمدن اسلام و عرب ص ۱۱۰

۱- ابن سعد، طبقات الکبری ج ۱ ص ۲۵۸. مجلسی، بحار الانوار ج ۲۰ ص ۳۲۲. محسن الامین. اعیان الشیعه ج ۱ ص ۲۴۳ احمدی، مکاتیب الرسول ص ۱۲۱، پروفیسور حمیدالله، الوثائق ص ۸۰

۱- قبل از هر چیز مسئولیت پیامبران الهی ابلاغ رسالت است که با این اقدام، اتمام حجت نموده‌اند. «فهل علی الرسل الا البلاغ المبین»^۱.

۲- پیامبر اسلام در صدد است با بررسی عکس‌العمل سران نسبت به نامه‌ها موقعیت جهانی را در رابطه با آئین اسلام بسنجد که تا حدودی نیز به این بازتاب دست یافت و زمینه برای اقدامات آینده فراهم گشت.

۳- نامه‌های رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم همان‌گونه که بیان شد اثر ایمانی داشت و تعداد قابل توجهی از سران به رسالت آن حضرت گرایش یافتند. «پس از آغاز دوره دعوت فرمانروایان محلی و منطقه‌ای در طی سال هفتم و هشتم تعداد قابل توجهی از حکام داخلی شبه جزیره نظیر پادشاه عمان، فرمانروای یمامه، حاکم بحرین، نجران، همدان و جز اینها به اسلام گرویدند»^۲.

۴- نامه‌ها انعکاس تبلیغاتی داشت. قهرأ خبر آن پیام‌ها در بین درباریان و سایرین بازتاب می‌یافت، در محافل و مجالس مورد نگرش و تحلیل قرار می‌گرفت و چه بسا برای پژوهش در پیرامون شخصیت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و بررسی آئین اسلام، ناچار به پرس و جو می‌شدند؛ بدین صورت موجودیت سیاسی قرار می‌گیرد.

۵- این پیام‌ها کلمه طیب‌ای بود که اثر تاریخ و جاودانه داشت.^۳ شکوه آن نامه‌ها در صفحات تاریخ می‌درخشد و چه بسا کتابها و مقاله‌ها که به طور مستقل در شرح و بیان آن نامه‌ها نگاشته شده است. شایسته است در این اثنا مقایسه‌ای انجام گرفته و به پیام ارزشمند رهبر کبیر انقلاب حضرت امام خمینی (ره) به گورباچف توجه شود، دیدیم که چگونه انعکاس جهانی پیدا کرد و هم اثر تبلیغاتی داشت و همچنین در صفحات تاریخ جهان مندرج و جاودانه گشت و هم اکنون نیز با این که سالها از آن پیام گذشته است شاهد هستیم که در محافل علمی و سیاسی روسیه، باز محتوای آن نامه مورد تحلیل و بازنگری سیاسی قرار می‌گیرد.

۶- نکته دیگری که نباید از آن غفلت ورزید این که بسیاری از کشورهایی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیک مخصوص بدانجا فرستادند اینک

۱- آیا پیامبران وظیفه‌ای جز ابلاغ آشکار دارند؟ (نعل آیه ۳۵)

۲- زرگری نژاد، تاریخ صدر اسلام ص ۵۲۰

۳- توئی اکلها کل حین یاذن ربها هر زمان میوه‌هاش را به اذن پروردگارش به باز می‌نشانند (ابراهم آیه ۲۵)

۴- توئی اکلها کل حین یاذن ربها هر زمان میوه‌هاش را به اذن پروردگارش به باز می‌نشانند (ابراهم آیه ۲۵)

۱- آیا پیامبران وظیفه‌ای جز ابلاغ آشکار دارند؟ (نعل آیه ۳۵)

۲- زرگری نژاد، تاریخ صدر اسلام ص ۵۲۰

بی‌اعتنائی تلقی کرد در صورتی که مقدر بود قسمت عمده‌اش در مقابل آن- که حکم خدا بود- تسلیم شود.^۱ در پایان تذکر این نکته ضرور می‌نماید که امروزه برخی داعیه «پلورالیزم» دارند و بر اساس گرایشات اومانیستی بعد از رنسانس می‌گویند: اصالت با خواسته انسان است هر کس حق دارد به هر دینی پایبند باشد و به دیگر عبارت: هیچ دین خاصی رسمیت کلی ندارد بلکه هر دینی می‌تواند برای پیروانش مقدس بوده و اصالت داشته باشد. ولکن تلاش گسترده پیغمبر اکرم و پیک‌ها و پیام‌هایی که برای دولتمردان و سران ادیان فرستادند، به ویژه اخطار آن حضرت صلی الله علیه و آله به آنان که اگر آئین اسلام را پذیرید افزون بر گناه خود وبال عدم پذیرش ملت نیز بر عهده شما خواهد بود. نظیر اخطار به کسرای ایران که: فان ایبت فعلیک اثم المجوس یا اخطار به امپراطور روم هراکیوس که: فان تولیت فاننا علیک اثم الارسین، این‌ها همه به وضوح بیانگر آن است که پلورالیزم دینی مردود بوده و به هیچ وجه صحت نخواهد داشت و تنها مذهب رسمی جهان بعد از مسیحیت آئین اسلام بشمار می‌رود.

نتیجه‌گیری:

در بین پیامبران بزرگ الهی حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله از رسالت

اسلامی بوده یا جمعیت کثیری از آنان به اسلام گرایش دارند. با این وصف، شگفتا که چگونه اظهار نظر می‌شود که هیچ نتیجه‌ای از آن نامه‌های و فرستادگان حاصل نشد!

شایسته است در این فراز به برخی دیگر از دیدگاهها در راستای نامه‌های نبی اکرم صلی الله علیه و آله اشاره شود.

۱- سرتوماس آرنولد در کتاب «تبلیغ اسلامی» می‌نویسد: «هر چند نامه‌های پیامبر در نظر بعضی از زمامداران آن عصر مورد تمسخر بود ولی مرور ایام نشان داد که این نامه‌ها از روی عقیده ثابت فرستاده شده بود. بعلاوه از این نامه‌ها موضوع رسالت عمومی که مکرر در قرآن آمده بطور وضوح مستفاد می‌شود»^۱

۲- «نامه‌های پیامبر به فرمانروایان ایران، روم، و غسانیان اگر چه با پاسخ مساعدی مواجه نشد اما این کوشش در واقع به تعمیق و تثبیت پایه‌های اقتدار حکومت مدینه انجامید»^۲

۳- «این دعوتها اگر چه جز در جوابهای ملایم حاکم مصر و نجاشی جواب مساعدی نیافت لیکن خود موفقیتی به شمار می‌آمد از آن رو که در واقع به منزله اعلام ظهور اسلام بود به دنیا، به دنیائی که ظهور اسلام را با سردی و

^۱ - دکتر حسن ابراهیم حسن، تاریخ سیاسی اسلام ص ۱۸۴.

^۲ - زرگری نژاد، تاریخ صدر اسلام، ص ۵۱۹.

^۳ - دکتر عبدالحسین زرین کوب، بامداد اسلام ۳۶

بصیرت و آینده‌نگری^۱، شجاعت ربانی^۲ توأم با بلندای همت، ایمان به رسالت خویش، آرزوی آینده‌ای درخشان برای اسلام بدور از یأس و ناامیدی، حداکثر بهره‌وری از حداقل امکانات در فرصت‌های مناسب و همچنین وجود یارانی فداکار و ایثارگر.

بنازیم دستی که انگور چید

مریزاد پائی که در هم فشرد

برو زاهدا خرده بر ما مگیر

که کار خدائی نه کاری است خرد

این نامه‌ها، اسوه و الگوی شایگانی است بویژه برای پیشقراولان اسلام که در پیش برد اهداف قرآن، شجاعانه و امیدوار به پیش تازند و از ظن این پیام‌ها در گستره تاریخ الهام بگیرند.^۳

فهرست منابع:

- ۱- آیتی، تاریخ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ناشر: دانشگاه تهران، تیرماه ۱۳۶۶.
- ۲- ابن اثیر، الکامل فی التاریخ ج ۲، ناشر: دارصادر، داریروت ۱۳۸۵ هـ ۱۹۶۵ م.
- ۳- ابن سعد الطبقات ج ۱ ناشر: دارصادر بیروت.
- ۴- ابن هشام، السیره النبویه، انتشارات ایران، قم، ۱۳۶۳.
- ۵- احمد حنبل، مسند ج ۱ ناشر: دارالمعارف بالمصر ۱۳۷۷.
- ۶- احمدی علی، مکاتیب الرسول، تهران، نشر پس، چاپ سوم ۱۳۶۳.

ویژه‌ای برخوردار بودند. آن حضرت، از دیرباز در صدد بودند که رسالت خویش را به جهانیان ابلاغ نمایند ولی بخصوص فتنه‌های یهود و آتش افروزی‌های قریش چنان اقدامی را ایجاب نمی‌کرد؛ تا اینکه فتنه‌ها فرو نشست و تلاطم جنگها جای خود را به صلح و آرامش نسبی داد. نامه نگاری آسان‌ترین راه ممکن برای ابلاغ ندای اسلام به جهانیان بود از این رو پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، پیام‌های توحیدی خود را همراه با پیک‌های چابک و فداکار به نقاط دور و نزدیک جهان، از جمله: ایران، روم، مصر و ایتوپی (حبشه) فرستادند. آن پیام‌ها و همچنین نقش بارزی که خود پیک‌ها ایفا نمودند، موج تبلیغاتی گسترده‌ای را به راه انداخت. به اعتراف آشنا و بیگانه، آن پیامها در ابعاد گوناگون نقش بسزائی داشت. امروزه در جهان شاهد متجاوز از یک میلیارد و سیصد میلیون مسلمان هستیم. بسیاری از کشورها بطور کلی اسلامی هستند و در بسیاری از کشورهای دیگر نیز جمعیت کثیری از مسلمانان زندگی می‌کنند، به گونه‌ای که در متمدن‌ترین کشورهای جهان حضور مسلمانان، مساجد و معابد آنان چشمگیر است.

این حقیقت نشانگر بازتاب آن نامه‌ها و

پیروزی سیاست بین‌الملل آن پیامبر بزرگ است و اصولاً رمز موفقیت نبی اکرم صلی الله علیه و آله را در این اقدام پر حماسه در چند امر باید جستجو کرد: اعتماد به نفس،

۱- اَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعْتُمْ وَأَنَّكُمْ عَلَيْهِمْ خُشْيٌ وَرَأْفَةٌ وَبَصِيرَةٌ كَامِلَةٌ بِشَرِيَّةٍ رَابِعَةٌ سَوِيٌّ خُذُوا كَرَامِيَّةً مِي دِهِم (سوره يوسف آیه ۱۸)

۲- وَالَّذِينَ يُتْلُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخُشِعُونَ وَلَا يَخْتَوْنَ أَخَذُوا إِلَى اللَّهِ أَنَّهُمْ كَرَامِيَّةً رِسَالَاتِ اللَّهِ رَابِعَةٌ سَوِيٌّ خُذُوا كَرَامِيَّةً مِي دِهِم (سوره يوسف آیه ۱۸)

۳- وَأَكْلَاهَا دَائِمٌ وَظُلْمَاهَا مِوَهُ أَنْ هَمِيَّشْكَ وَسَابِهَاشْ دَائِمِي خَوَاهِدْ بُوْد (رعد آیه ۳۵)

- ۲۳- گوستاولویون، تمدن اسلام و عرب، ناشر: کتابفروشی اسلامیة ۱۳۴۷.
- ۲۴- گیتاشناسی کشورها، انتشارات گیتاشناسی چاپ دوم. ۱۳۶۲.
- ۲۵- مجلسی محمدباقر، بحارالانوار ج ۲۰ ناشر: دارالکتب الاسلامیه، تهران. ۱۳۶۵.
- ۲۶- محسن الامین، اعیان الشیعه، ج ۱ ناشر: دارالتعارف للمطبوعات بیروت ۱۴۰۶هـ - ۱۹۸۶م.
- ۲۷- محمد حمیدالله محمد، نامه‌ها و پیمانهای سیاسی حضرت محمد صلی الله علیه و آله و اسناد صدر اسلام ترجمه دکتر سیدمحمد حسین، تهران، انتشارات سروش ۱۳۷۷.
- ۲۸- محمدرشید رضا، تفسیر المنار، ج، ناشر: دارالمعرفه، بیروت، لبنان.
- ۲۹- محمدی ری شهری، میزان الحکمه ج ۹ مرکز النشر - مکتب الاصلام الاسلامی ط اول، ۱۳۶۲.
- ۳۰- معبودی علی بن الحسین، التنبیه و الاشراف، ناشر: دارالصاوی، قاهره.
- ۳۱- مکارم شیرازی ناصر. تفسیر نمونه ج ۲ ناشر: دارالکتب الاسلامیه. ۱۳۵۳.
- ۳۲- مونتگمری وات، محمد پیامبر و سیاستمدار. ۱۹۵۲ م.
- ۳۳- نهرو، نگاهی به تاریخ جهان ج ۱ ترجمه محمد تفضلی: انتشارات امیرکبیر. ۱۳۵۱.
- ۳۴- ویل دورانت، تساریخ تمدن ج ۱۱، ترجمه ابوالقاسم پاینده، انتشارات فرانکلین، طبع قدیم ۱۳۴۳.
- ۳۵- هادی خاتمی، تاریخ تمدن اسلام و عرب. ناشر: کتابخانه صدر ۱۳۶۸.
- ۳۶- ه. ج. ولز، تاریخ دنیا، ترجمه رضا افشار، ناشر: کانون معرفت، تهران ۱۳۴۰.
- ۳۷- یعقوبی ابن واضح، تاریخ، ج ۲ ناشر: داربیروت للطباعة و النشر، ۱۳۷۹ هـ ۱۹۶۰م.

- ۷- جعفریان رسول، تاریخ سیاسی اسلام ناشر: مؤسسه در راه حق قم چاپ اول ۱۳۶۶.
- ۸- جعفریان رسول، سیره رسول خدا ج ۱ ناشر سازمان چاپ و انتشارات، چاپ اول، مهر ۱۳۷۳.
- ۹- دکتر حسن ابراهیم حسن، تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، انتشارات جاویدان، چاپ هشتم ۱۳۷۳.
- ۱۰- رفیع‌الدین اسحاق بن محمد همدانی، سیرت رسول الله صلی الله علیه و آله تهران، انتشارات خوارزمی، چاپ اول، ۱۳۶۰.
- ۱۱- زرگری نژاد، تاریخ صدر اسلام، ناشر: سمت چاپ اول. بهار ۱۳۷۸.
- ۱۲- زرین کوب عبدالحسین، بامداد اسلام: انتشارات امیر کبیر چاپ ششم ۱۳۵۳.
- ۱۳- سبحانی جعفرالاهیات، ج ۲ ناشر: مرکز عالمی دراسات اسلامی ط دوم، ۱۴۱۱هـ. ق.
- ۱۴- سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت ج ۲ چاپخانه حکمت قم ۱۳۵۱.
- ۱۵- سرتوماس آرنولد، علل گسترش اسلام، ناشر: دانشگاه تهران دی ماه ۱۳۵۸.
- ۱۶- ش. دولاندلن، تاریخ جهانی پیش از تاریخ تا قرن شانزدهم، ج ۱ ترجمه احمد بهمنش ناشر: دانشگاه تهران ۱۳۶۷.
- ۱۷- شریعتی علی، اسلام شناسی، چاپخانه طوس مشهد، ۱۳۴۷.
- ۱۸- صفوت احمد زکی، جمهره الرسائل، ناشر: المکتبه العلمیه، بیروت.
- ۱۹- طباطبایی، سیدمحمد حسین، تفسیر المیزان ج ۳، ناشر: دارالکتب الاسلامیه طهران ۱۳۹۴ هـ. ق.
- ۲۰- طبری محمدبن جریر، تاریخ الرسل و الملوک ج ۲، ناشر: مؤسسه علمی، بیروت، لبنان ۱۴۰۳ هـ. ۱۹۸۳م.
- ۲۱- علی ناظمیان فرد، مقاله «سه نامه از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در تاریخ طبری، فصلنامه تاریخ اسلام ش ۷، ۱۳۸۰هـ.
- ۲۲- کتابی، الترتیب الاداریه ج ۱ ناشر: دارالکتاب العربی بیروت، لبنان.